

تعصب روی دین،
علامت کامل
نقصان عقل است

بی‌داری

ماهنامه ی شماره ی ۱۵۶ کانون خردمداری ایرانیان
سال ۲۵ - شهریور ماه ۲۵۸۴ ایرانی - ۱۴۰۴ عربی

دین داری،
نوعی علامت
نقصان عقل است

بهترین راه سرنگون کردن رژیم فاسد اسلامی خیزش اکثریت خاموش است راه دیگری وجود ندارد

و خیزش اکثریت، پس از همبستگی و ائتلاف اپوزسیون رخ می دهد

هدیه ای ارزنده از: دکتر مسعود نقره کار

محمد یک تسویه حساب (۵)

نویسنده عرب - حامد عبدالصمد دانشمند مصری

مانده از شماره پیش

پس از مرگ محمد سه گروه برای کسب قدرت

مانده در رویه ۳

نویسنده هومر آبرامیان - استرالیا

هومر آبرامیان هم میهن آشوری ما شیفته ی بی قرار فرهنگ
باستانی ایران است. او حق بزرگی بر گردن ما و فرهنگ ایران دارد

پنجم شهریور روز گرامیداشت زکریای رازی پدر خردمندان ایران
است.

ابوبکر محمد بن زکریای رازی، پزشک، فیلسوف، و
مانده در رویه ۲

هومر آبرامیان

مانده از رویه نخست

کیمیا شناس و دانشمند نامدار ایرانی در روز پنجم شهریور ماه سال ۲۵۱ ماهشیدی برابر با (۸۶۵ زایشی) در شهر ری چشم به جهان گشود. او روزگار کودکی و نوجوانی را در همانجا گذراند. در جوانی به کار زرگری پرداخت، ولی دیری نپائید که به کیمیاگری (شیمی) روی آورد و در پی کار زیاد با مایه های تند و تیز شیمیایی، هر دو چشمش آسیب دیدند. رازی برای درمان چشمان خود به آموختن دانش پزشکی روی آورد. در آن روزگار بغداد جای دانشگاه گندی شاپور (جندی شاپور) را گرفته بود که رازی هم برای آموزش پزشکی راه بغداد پیش گرفت، در آنجا رازی چنان شایستگی از خود نشان داد که در پایان کار به سرپرستی بیمارستان معتضدی برگزیده شد.

پس از درگذشت معتضد (خلیفه ی نرم خوی عباسی) به زادگاه خود بازگشت و سرپرستی بیمارستان ری را بدست گرفت و تا پایان زندگی در همانجا ماند.

در واپسین روزهای زندگی نیروی بینایی را یکسره از دست بداد و سرانجام در سال ۳۱۳ در ۶۲ سالگی با برجای گذاشتن نامی بزرگ از خود، چشم از جهان فرو بست.

رازی را می توان برجسته ترین چهره خردگرایی در فرهنگ ایران پس از اسلام دانست. او نوشتارهای فراوان درباره فریب کاری پیامبران نوشت که شوربختانه همه ی آن گنجینه های گران بها در آتش کینه توزی مسلمانان از میان رفتند. ولی نشانه های فراوانی از آن ها در نوشته های دیگران برجای مانده اند.

از نامدارترین نوشته های رازی در زمینه ی دین ستیزی و دروغگو شمردن پیامبران فی النبوات- حیل المتنبین و فحاریق الانبیاء هستند. به گفته ی ابوریحان بیرونی رازی نه تنها اسلام، که همه ی دین های ابراهیمی را می نکوهید و همه ی پیامبران سامی را کلاه بردار، دغل باز، روان پریش، و پیروان شان را مشتی مردم مشنگ و خردگم کرده در بازار دین باوری می دانست. او قرآن را توده ی بی ارزشی از سخنان بی هوده می دانست که سرشار از داستان ها و افسانه های خردستیز و دبنگانه است. از دید رازی وحی و نبوت بزرگترین دروغ در کارنامه ی آدمی و پیامبران فرومایه ترین مردم جهان بوده اند. رازی می گفت، همه ی مردمان توان رسیدن به گامه ی دانایی و گسستن بند بندگی دین کاران و دین گذاران از پر و پای خود را دارند. اگر کسی خود را پیامبر خدا بنامد بداند او دروغزن و پست و فرومایه و دشمن خداست!

از اکتشافات گوناگونی که داشته به گوهر گوگرد (اسید سولفوریک) و الكل می توان نام برد. نوشتارهای گران بهایی داشته در زمینه های فرزانه (فلسفه)، یزدان شناسی (الهیات)، خردورزی (منطق)، سرشت

(طبیعت)، فراسوی ماده (فوق طبیعت...) رازی نخستین کسی است که کلیه اشیای عالم را به سه طبقه حیوانات، نباتات، جامدات تقسیم کرده است. رازی در دانش کالبد شکافی، جانور شناسی، گیاه شناسی، کان شناسی، زمین شناسی، هواشناسی، پرتو شناسی و خنیا (موسیقی) دستی چیره داشت، عود خوب می نواخت و گاهی هم چامه (شعر) می سرود. به پاس کوشش های بی دریغ رازی در فن داروسازی، روز پنجم شهریور ماه هر سال روز بزرگداشت زکریای رازی کیمیا شناس بزرگ ایرانی و روز داروسازی نام گرفته است.

سن جدید ازدواج در اسلام

یکی از استادان مشهور غیرمعمم مدارس طلبه های فیضیه قم، که برای ایران آخوند پرورش می دهد اعجوبه ای است به نام «حسن رحیم پور ازغدی». رحیم پور ازغدی از سال ۲۰۰۳، بیست و دو سال پیش عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی جمهوری اسلامی است. او اخیراً در روایتی عجیب که برای طلبه ها ایراد می کرد از سن ازدواج در اسلام پرده برداشت و برای اسلام آبرویی باقی نگذاشت. او گفت:

«اسلام می گوید آقا، به محض این که قریحه جنسی تان بیدار شد، حتا اگر هنوز هم کاملاً بیدار نشده ازدواج کنید. می دانید اصلاً اسلام شرط بلوغ را برای ازدواج نگذاشته. در مسئله بین دختر و پسر، اسلام آن قدر باز، برخورد کرده (از بس مسلمان ها روشن فکرند) که می گوید دختر و پسر دبستانی هم می توانند با هم ازدواج کنند، (دبستانی! نه دبیرستانی) در اصل اسلام حد سنی برای ازدواج ندارد. از آن بالاتر اگر دختر و پسر با هم فقط رابطه عاطفی داشته باشند و نه جنسی، آن ها هم می توانند با هم زن و شوهر شوند. اسلام محدودیت و عقده جنسی و شرط سنی برای ازدواج نگذاشته است».

بیداری - در اسلام باجناق بازی، بچه بازی، زنیاری، ازدواج در آوان کودکی، ازدواج مرد هشتاد ساله با کودک خردسال، صیغه گرفتن در کوچه و خیابان و حرم و مسجد که همان روسپی گری اسلامی است به ویژه لواط بازی در دوران طلبگی آخوندها که از واجبات این شغل است... در هیچ کدام منع شرعی وجود ندارد و به برکت اسلام ناب محمدی همه این حرکات الهی، در تنها دین جنسی جهان، آزاد است، تنها موردی که آزاد نیست بی حجابی است که تار موی سپید شده زنان کهن سال هم آخوند ها را بدجوری تحریک می کند و جوش می آورند. برای همین است که آخوندها لباسشان گل و گشاد است و عبا و قبای شان نه دگمه و شلوارشان نه کمر بند و زیپ دارد، آن ها همه جوهر آماده به خدمت پایین تنه خود هستند و در این راه مجاهدت ها می کنند. از آن سوی هم، مسلمان ها بسختی کار می کنند که بدهکاری های خود را اعم از خمس (یک پنجم درآمد) حق امام و زکات و فطریه و نذورات کافی به این طبقه انگل و مفت خور برسانند تا حسابی به آن ها خوش بگذرد و مشکلی برای شکم و زیر شکم شان پیش نیاید.

محمد یک تسویه حساب

مانده از رویه ی نخست

درگیر شدند: ۱- بستگان محمد از طایفه ی بنی هاشم، که جانشینی را حق مشروع علی می دانستند. ۲- قبایلی از مدینه نیز که به محمد وقتی از مکه به مدینه رفته بود، جا و مکان داده و به او برای ایجاد حکومت کمک کرده بودند، وراثت و جانشینی را حق خود می دیدند. ۳- به علاوه ائتلافی از عمر و ابوبکر، همراهان و پدران زنان محمد که با حمایت قبایلی از مکه می خواستند قدرت را در دست گیرند.

هنوز محمد به خاک سپرده نشده بود که این ائتلاف با قبيله هایی از مدینه جلسه ای تشکیل داد. تنها علی پسر عموی محمد بود که از شرکت در این جلسه محروم شد. عمر آن قبایل را تحت فشار قرار داد تا حاکمیت ابوبکر را بپذیرند. آن ها اما مخالفت کردند و سرانجام بعد از ستیزی سخت کوتاه آمدند. به این صورت اولین مانع مهم از سر راه برداشته شد. اما عمر برای اینکه خلافت ابوبکر را مشروع و قانون مند کند، می بایست علی و یارانش نیز ابوبکر را بپذیرند. تاریخ نویس مشهور «يعقوبی» نوشته است که علی مجبور شد خلافت ابوبکر را بپذیرد: عمر به خانه علی رفت و فاطمه دختر محمد (همسر علی) را تهدید کرد که اگر آن ها خلافت ابوبکر را نپذیرند، خانه شان را به آتش خواهد کشید. عمر و علی دست به شمشیر برای دوئل بردند، شمشیر علی شکست و دوئل به سود عمر پایان گرفت. عمر از این پیروزی مدعی خلیفه جدید شد.

طرفداران علی هنوز احساس می کنند که در جریان جانشینی محمد سرشان کلاه رفته است. شیعه ها فقط علی را جانشین برحق محمد می دانند، در حالی که سنی ها ابوبکر و عمر را به عنوان خلفای قانونی بزرگ می دارند.

پیامبر سه روز پس از مرگ به خاک سپرده شد. اگر چه طبق سنت اسلامی و عربی کهن و به خصوص به خاطر شرایط آب و هوایی، خاکسپاری باید در روز مرگ انجام می گرفت. اما دعوا و مشاجره بر سر جانشینی آنقدر داغ بود که این کار میسر نشد. بعضی از طرفداران محمد حتا نمی خواستند محمد را به خاک بسپارند زیرا فکر می کردند که او چون عیسی بعد از سه روز زنده خواهد شد و به آسمان خواهد رفت.

وقتی که خبر مرگ محمد عربستان را فراگرفت، بسیاری از روسای قبایل جلوی خانه محمد جمع شدند، آن ها نمی توانستند باور کنند که محمد مرده است. ابوبکر با آن ها صحبت کرد و اشتباهی بسیار بد را مرتکب شد. او گفت: «آن کسی از شماها که محمد را می پرستیده، محمد اکنون مرده است. اما کسی که خدا را پرستد، خدا هرگز نمی میرد» این سخنش برای قبایلی که به زور تسلیم شده بودند ندای آزادی بود و کم کم بسیاری از آنان از اسلام دست کشیدند. عده ای دیگر هم به اسلام وفادار ماندند. اما مالیاتی را که به محمد می پرداختند دیگر به ابوبکر نپرداختند.

ابوبکر باید با این افراد که از پرداخت مالیات سرباز می زدند مبارزه می کرد. این مبارزه نیاز به تضمینی روشن داشت. در خود قرآن هیچ سخن آشکار و مشخصی در مورد رفتار با این مرتدان نبود، خود ابوبکر هم این مشروعیت را نداشت قانونی را وضع کند که قرار بود درباره ی مرگ و زندگی این مرتدان تصمیم بگیرد.

نقطه ی آغاز و تولد حدیث از همین جا می باشد. احادیث سخنان خارج از قرآن هستند. احادیث بسیار و قوی تر از قرآن مسایل حقوقی اسلامی را قانون مند می کنند. بسیاری از احادیث زمان ابوبکر از عایشه، بیوه ی محمد و دختر ابوبکر است. بیش از ۲۲۰۰ حدیث تحت تاثیر سخنان او ساخته شده، احادیثی که در مورد زندگی او با محمد و یا زندگی خود محمد است.

بسیاری از قوانین شریعت نیز از روایت های عایشه سرچشمه می گیرند. دیگر زنان محمد تعداد بسیار کمی حدیث درباره محمد نقل کرده اند. زینب یکی از همسران محمد یازده حدیث دارد و صفیه همسر دیگر محمد نه حدیث.

گذشته از این، دو منبع دیگر حدیث هم در زمان ابوبکر وجود داشت. ابوهریره یکی از آنان بود. گدایی غریبه که خیلی دیر مسلمان شد. او با این که مدت کمی با محمد در مدینه بود توانست ۵۳۰۰ حدیث درباره او تعریف کند. یکی از احادیث او توانست نیاز عاجل ابوبکر را که همان شیوه رفتار با مرتدین و کسانی بود که از پرداخت مالیات سر باز می زدند، برآورده کند.

ابوهریره ادعا کرد از محمد شنیده است: به من امر شده علیه انسان ها بجنگم تا وقتی که آن ها شهادت دهند خدایی جز الله نیست. محمد فرستاده ی خداست و اوست که عبادت را مقرر و مالیات را تعیین می کند و اگر آن ها این را انجام دهند، جان و مالشان از دست من در امان خواهد بود.

عبدالله پسر عمر نقل قول ابوهریره را تأیید کرد. عبدالله هم ۲۶۳۰ حدیث از محمد نقل می کند. جالب است چنین سخنان مهمی که درباره مرگ و زندگی است در قرآن وجود ندارد. بلکه تنها توسط دو تن شنیده شده اند. ابوهریره مورد احترام مردم مدینه نبود. عمر در سال ۶۴۱ او را به حکومت بحرین گماشت. اما کمی بعد او را به مدینه فراخواند و تمام اموالش را مصادره کرد، گویا ابوهریره با مالیاتی که از ساکنین بحرین می گرفت صاحب ثروت شده بود.

وی اما کار عمر را غیر قانونی دانست و از دادن پول هایش به عمر خودداری کرد. عمر هم ابوهریره را با ابزار ملامت و زدن شلاق مجبور به پرداخت پول به خزانه کرد. عمر حتا ابوهریره را از نقل حدیث در مورد محمد منع کرد و به او هشدار داد او را به سرزمین میمون ها به آفریقا می فرستد. اما با این حال احادیث ابوهریره بعد از احادیث عایشه، تا به امروز منبع اصلی روایت های خارج از قرآن در مورد محمد به شمار می آیند.

ادامه دارد

هشدار

برای آزادی ایران، امید بستن به آمریکا و اروپا و اسرائیل بسیار کار خطرناکی است. یک نمونه اش آقای ترامپ رئیس جمهور آمریکا بود که وسط کار دست از کار کشید. و امروزه اکثریتی قابل توجه از هم میهنان ما برای سرنگون کردن رژیم جمهوری اسلامی پس از آقای ترامپ چشم به دولت اسرائیل و شخص بنیامین نتانیاهو دوخته و دل بسته اند.

آیا در میان این اکثریت قابل توجه کسی اندیشیده است که اگر بلایی ناگهانی سر نتانیاهو بیاید، مثلاً کابینه اش سقوط کند، بیماری پیدا کند که قادر به کار نباشد و یا بهر دلیلی از ادامه مبارزه با جمهوری اسلامی منصرف شود و... و... آن وقت مسئله ساقط کردن رژیم چه خواهد شد. خیال همه راحت شده می روند به دنبال زندگی خود؟ آیا هم میهنان مبارز و نیمه مبارز چشم براه ما، فکر جایگزینی کسی را برای نتانیاهو و دیگران کرده اند که بجای آن ها کشورشان را آزاد کند یا طرح دومی دارند که باید خودشان کمر همت ببندد و برخیزند؟

همین پرسش و معما برای ایرانیان مشروطه خواه و ایرانیانی است که امیدشان را به شاهزاده رضا پهلوی بسته اند. اگر باز هم بهر دلیلی شاهزاده پهلوی شور و اشتیاق و توانایی خود را برای مبارزه، حتا به طور ناخواسته از دست بدهد و نتواند وظیفه شاق و سنگینی را که به عهده گرفته ادامه دهد آیا مشروطه خواهان طرح دوم و جایگزینی برای آینده سیاسی خود در دست دارند؟ یا نه. کارهای مبارزاتی ما هم مانند بسیاری از کارهای دیگرمان صوری والله بختکی است. وضع و اوضاع جمهوری خواهان ملی گرا و کمونیست های ما از بقیه هم بدتر است که نتوانستند دارای حزب و رهبریتی شوند و با مشروطه خواهان هم نمی خواهند ائتلاف کنند.

چه کسی باعث ماندگاری رژیم شد؟

واشنگتن پست نوشته:

اسرائیل به دنبال سرنگونی جمهوری اسلامی بود، ترامپ مانع شد. روزنامه واشنگتن پست در مقاله ای به قلم «دیوید ایگناسیوس» نوشته است که اسرائیل پیش از آتش بس، قصد داشته طرح حملات گسترده و جدید خود با هدف سرنگونی جمهوری اسلامی را آغاز کند که دونالد ترامپ آتش بس را اعلام کرده است.

دیوید ایگناسیوس تحلیلگر سرشناس آمریکایی می نویسد که شواهد روزافزون نشان می دهد برنامه هسته ای ایران صدمات شدیدی را متحمل شده است که برای احیای آن دست کم به یکسال و شاید هم بیشتر زمان نیاز دارد.

آن همه بمب باران اگر قرار است فقط یک سال رژیم را از احیای دوباره ساخت بمب عقب بیندازد، می شود همان که ما گفتیم. واقعاً بمب باران ها کار اساسی انجام نداده اند و این را پنتاگون همان فردای روز بمب باران ها گفته بود.

تحلیل گر آمریکایی اضافه می کند البته برخی ابعاد هم چنان نامشخص هستند، مثلاً ممکن است ایران سانترفیوژها، ذخایر اورانیوم یا تجهیزات حساس را در نقطه ای پنهان کرده باشد که از حملات درامان مانده اند. ایران می تواند با منابع محدود باقی مانده به سمت تولید بمب هسته ای خیز بردارد.

در همان تاریخ ۷/۲۸/۲۵ خبرگزاری بی بی سی از قول عراقچی نوشته: در پی مذاکرات با آمریکا از طریق «استیو ویتکاف» فرستاده ویژه دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا خطاب به بنیامین نتانیاهو در شبکه اجتماعی تروث سوشال نوشت که همین الان خلبانان ات را برگردان. تیترا درشت بی بی سی هم چنین بود: عراقچی گفت به ویتکاف پیام دادم، و ترامپ جلوی حمله اسرائیل را گرفت!

**نمایش ایمان، برای پنهان کردن حقیقت و
ذات پلید خویش است.
لکه ننگی که بر پیشانی نماز خوان های
مسلمان می بینید نشان بارز
این فریب کاری است.**

**آن ها که روضه خوانی برقرار
می کنند، تکیه به راه می اندازند،
با سر و صدا به حج می روند،
همه در پی سوء استفاده از
خواص و فریب دادن عوام اند.**

کورش سلیمانی

معاینه ی لباس های زیر زنان یهودی توسط حاکم بزرگوار!

پس از انقلاب شکوهمند اسلامی! بسیاری از هم میهنان ما جلای وطن کردند و راهی دیار غربت شدند. از قضای روزگار یهودیان ایرانی هم در شهرهای گوناگون جهان پراکنده گشته و برای عبادت به کنیسهایی که در آن شهر و محله وجود داشتند رفتند و ضمن عبادت آداب و رسوم مذهبی خود را حفظ نمودند.

در شهر ما آتلانتا در ایالت جورجیای آمریکا، یهودیان ایرانی علاقه داشتند که یک کنیسه ایرانی شبیه آن چه که در ایران داشتند برپا کنند. به همین جهت ساختمانی اجاره کردند و از (یشیوا)ی شهر بالتیمور یک حاکم نوجوان را که پخمی از سر و صورتش می بارید با سلام و صلوات به آتلانتا آوردند. این حاکم بزرگوار در اولین گردهم آیی و در اولین گام از زن ها و مردها خواست که جدا از هم بنشینند که خوشبختانه موجب اعتراض بسیاری شد. در گام بعدی در مراسم یک عروسی که او را برای خطبه عقد دعوت کرده بودند مجلس رقص را به هم زد که چرا زن و مرد در یک پیست کنار هم می رقصند.

در این میان یکی از مهمانان که دادش به هوا رفته بود به حاکم گفت: من می خواهم با همسرم برقصم، اگر قرار بود مرد با مرد و زن با زن برقصد اینجا نمی آمدم، می رفتیم باشگاه هم جنس گراها!

باری چرخ گردون به سود این حاکم پخمه چرخید، با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی برخی از یهودیان کشورهای شوروی سابق که به آمریکا آمده بودند کنیسه های ایرانی را که مراسمی شبیه مراسم کنیسه های خودشان در گذشته را داشت انتخاب کردند و کار حاکم ما بالا گرفت و مراسم کنیسه ای ما هم باب میل ایشان طرحی نو گرفت. ولی موضوع با اعتراض اعضای زیادی از کنیسه روبرو شد و چون موفق نشدند عده ای از آن ها رفتند و خودشان محل دیگری را برای کنیسه اجاره کردند و دست به دامان حاکم دیگری شدند که جوانی شریف و تحصیل کرده بود به نام «یهودا بردسان» که درباره اش خواهم نوشت.

ولی حاکم پخمه ای که ذکر خیرش شد و فراموش کردم نام مبارکش را بنویسم «شموئل خوش خرامان» برعکس ایرانی هایی که نام های مذهبی خود را تغییر دادند به داریوش و کوروش و بابک و پرویز. این آقا که نام اصلی اش کوروش خوش خرامان بود به «شموئل خوش خرامان» برگردانده بود و ضمناً همسر گرامی اش را هم در همان کنیسه مسئول کلاس درس آداب و رسوم اصول دین یهود نمود و تبلیغ سخنان مراجع

تقلیدی از دسته اولترا ارتدکس را به عهده گرفت. یهودیان اولترا ارتدکس مقررات بسیار سخت و وسختی در مورد زنان یهودی دارند که بسیار تحقیرآمیز است، حتا در دوره قاعدگی به او دست نمی زنند. کاسه بشقاب و لیوان و کارد و چنگال آن ها و چیزهای دیگرشان باید کاملاً جدا باشد که گویی زن ها در این دوران طبیعی جذامی می شوند و باید از آن ها فاصله گرفت.

روایت است در حبشه زن های یهودی را در این دوره در چادری زندانی می کردند و با بیل به او خوراک می دادند! و اما ماجرای معاینه ی لباس های زیر «شورت»های زنان بوسیله حاکم، در یکی از کلاس های همسر حاکم شموئل، خانمی می پرسد که ما از کجا می توانیم بفهمیم که دوره قاعدگی ماسد درسد تمام شده و با خیال راحت می توانیم به رختخواب شوهرمان برویم و به وظائف همسری خود عمل کنیم!

همسر حاکم پس از مشورت با شوهرش به آن خانم پاسخ می دهد، شرط واجب این است که شما شورت های خود را پیش من بیاورید تا من آن ها را به حاکم شموئل نشان دهم و او هم با معاینه آن ها جواز مقاربت و مجامعت برای شما صادر کند.

رفتارهای غیر اخلاقی را که با زنان مسلمان و کودکان شیر خوار در توضیح المسائل خمینی می بینیم شبیه اش را در دین برخی از مراجع تقلید یهودی هم می بینیم. در دین یهود هم بدبختانه این «حاکم» ها و «حاکمه» ها مریدانی دارند که عقل خود را در صندوق گذاشته و دنباله روی از افکار عصر حجر و پوسیده برخی از علمای دین می کنند. به قول همسایه ارمنی ما «تا خار هست، خار سوار هم هست».

**اگر انقلاب نشده بود الان من و شما فارغ از
دغدغه بهای دلار، کمبود آب و برق، گرانی
گوشت و برنج و میوه، جلوی بادکولر ارج
روی مبل لم داده ساعتی یکی دو بار به شاه
فحش می دادیم که نگذاشت سید او لاد
پیغمبر به ایران بیاید تا ما را به مقام انسانیت
برساند و آب و برق مان را مجانی کند
و... و... و... فکر می کنید غیر از این بود؟**

Richard Dawkins

Christians and Muslims, ultimately, follow perversions of the Jewish religion. The first part of the Bible is the Torah, and the Quran is extracted from Jewish texts. These three religions are classified as the "Abrahamic" religions, as they stem from the prophet of that name who is considered the patriarch of all Jewish tribes. These three religions are also classified as "monotheistic" since they profess to believe only in one god.

God, as the followers of Abrahamic religions know him today, was actually one of many gods worshipped by the ancient Israelites. Through a series of interactions with Egyptians and Persians, who pioneered the idea of one big guy lording over all of creation, the Israelites began prioritizing worship of the weather god, Yahweh. But they were not necessarily unbelievers of other gods, which is why the first commandment says "thou shalt have no other gods before me."

As mentioned, Christianity began as an offshoot of Judaism, pioneered by a messianic rabbi named Jesus Christ. Like other religions considered dangerous cults, it was banned by the Roman Empire, then the dominant power in the Mediterranean. In 312 AD, Emperor Constantine did an about-face, not only legalizing Christianity, but converting himself, and declaring it the official religion of the Empire.

The polytheistic undertones of Judaism survive in the other Abrahamic religions. Christians and Muslims believe in an evil counterpart to God, variously called Satan, Lucifer, Iblis, Ahriman, etc. Though the devil is not a god per se, he is a sort of divine entity who is constitutionally predisposed to fight against the good omens of Jehovah. This good-evil dynamic ultimately comes from the ancient Persian religion of Zoroastrianism, which highly influenced the Jews during their exile in Babylon.

More on Pharaoh and Sarah In the Torah two rulers, Pharaoh and Abimelech, attempt to sleep with Sarah before strangely going unconscious. God, busy doing nothing except watching his creations 24 hours a day, enters the sleeping mind of the king and warns him about the great sin he is about to commit. It is the families of the kings, strangely, who seem to be afflicted by God's wrath.

How is it that the great and almighty God, who has created (and, presumably, must administer) the whole universe full of planets, stars, galaxies, suns, and potentially infinite space, has the time to interfere in the sex lives of humans? Why must he turn what should be a great occasion full of laughter, mirth, pleasure, and joy into a bitter episode?

We later learn that Abraham was not entirely being untruthful as Sarah is really his stepsister. It is not exactly clear why God is so enraged at random kings simply because they took Abraham ter. It is not exactly clear why God is so enraged at random kings simply because they took Abraham at his word. Nor is it clear why God does not come to Sarah earlier and warn her of the event that her extracurricular activities are about to result in.

Ultimately, what kind of a God punishes the wives and children of local rulers by obstructing their urinary tracts? What lesson is the discerning reader supposed to take away from this?

Al Nesa-34

24-Men are in charge of women, because allah hath made the on of them to excel the other, and because they spend of their property (for the support of women). So good woman are the obedient, guarding in secret that which Allah hath guarded. As for those from whom ye fear rebellion, admonish them and banish them to beds apart, and scourge them. Then if they obey you seek not a way against them Lo! Allah is ever high exalted great.

Our Message to the World:

Iran Will Once Again Be the Land of Law

Kurosh Kalhor

We, the people of Iran, heirs to a civilization thousands of years old and the first nation to offer the Charter of Freedom and Human Rights to the world, declare today, with one voice and unwavering resolve:

The Iran of tomorrow, after the overthrow of the un-Iranian regime of the Islamic Republic, will be built on the foundations of law, justice, and human dignity.

For over four decades, the Islamic Republic, through crime, corruption, and betrayal, has spilled the blood of thousands of innocents, trampled on freedoms, and plundered the wealth and nature of this ancient land. This dark rule is not only the enemy of the Iranian people but also the enemy of Iran's history and culture, an indelible stain on our nation's record that will only be cleansed through its complete overthrow.

Yet we, the people of Iran, declare to the world:

Our path forward is the path of justice, not revenge; the path of fairness, not hatred; the path of reconstruction, not destruction. All those who ordered or carried out crimes, torture, repression, and plunder will, without doubt, be tried in independent courts and according to recognized international standards. At the same time, officials and administrators whose hands are

not stained with blood or corruption will unquestionably benefit from conditional general amnesty. This justice will be realized through the formation of truth-finding commissions, special courts with the presence of international observers, and the adoption of a national law of conditional amnesty.

The future of Iran will rest not on blood and vengeance, but on law and justice. No innocent person will be punished, and no criminal will escape the gaze of justice. Together, we shall break the cycle of hatred and begin the cycle of law and reconstruction.

Iran, the land of the world's first charter of human rights, sends this message again to the world today: In the new Iran, justice will replace oppression, law will replace tyranny, and humanity will replace cruelty. The Islamic Republic is doomed to destruction. But the Iran of tomorrow will be a nation governed by law, peace-loving, and committed to universal human rights; a country where only criminals are prosecuted, the innocent is pardoned, and the law rules equally overall.

With reliance on our history and culture, and with one united voice, we declare to the world: Iran will once again be the land of law.

دکلمه ای زیبا با صدای مخملی سهراب پور ناظری خواننده

ایران برای ما مُنتهای شادیه- برای ما دماونده- بیستونه- کابل- سمرقنده- آتش نوروز کردهاست- دعای داریوشه- کتیبه کورشه- فردوسی- حافظه- سعدیه- خواجه نظام الملکه- محمد علی فروغیه- ایران برای ما حنجره قمرالملوک وزیری- پریسانه.

ایران برای ما سرحد رنج و اندوه، از اون زخم هجوم تازی و تاتار گرفته تا خاموشی آتش نوروز در مزار شریفه، تا تلخی شکست احمد مسعود از طالبانه، تا اون دو تا دختر ایرانی قهرمان شطرنج که هر کدام زیر پرچم کشورهای بیگانه برای افتخار بیگانگان روبروی هم نبرد می کنند.

ایران برای ما، زخمه، زخم تشنگی ارومیه س، بی آبی سی و سه پله، ایران برای ما سرحد شادی ها و مُنتهای دردها و رنج هاست و همینه که پایدار مانده.

گمان مبرکه به پایان رسید کار مغان، هزار باده ناخورده در رگ تاک است. ایران برقرار می ماند، کسی نمی تواند این فرهنگ و این سرزمین را از بین ببرد.

(صدای دلنشین دکلمه سهراب پورناظری را در یوتوب بشنوید).

سربار جامعه

سربار جامعه ما کفشش بند ندارد، پیراهنش دگمه و شلوارش زیپ ندارد. سربازی نمی رود، مالیات نمی دهد، برای کسب و کارش جواز نمی گیرد. سرباز جامعه نه در کنکور شرکت می کند و نه در آزمون استخدامی. اما همیشه می رود بالای مجلس بالا دست اساتید دانشگاه ها و دانشمندان اتمی می نشیند سرباز جامعه ما یک پنجم درآمد مردم را حق خودش می داند، او خودش را نماینده خدا در روی زمین می پندارد، هیچ کار مفیدی هم بلد نیست. هنر ندارد، مسئولیت نمی پذیرد، کارش دادن وعده های دروغ به مردم است. حتا اگر پیرزنی از او دعای خیر بخواهد از پیرزن پول می گیرد.

سربار جامعه تنها موجودی است که از شما پول می گیرد تا اشک تان را درآورد. وجود سربار جامعه در هر کشوری توهین به بشریت و مردم آن جامعه است. او در ایران و در رژیم آینده ایران نباید جایی داشته باشد.

مرگ و زندگی

در فضای مجازی از فیلسوف بزرگ چینی می پرسند: به نظر شما هنگامی که ما می میریم چه اتفاقی می افتد و ما به کجا می رویم؟ فیلسوف که صورت خندانی دارد می گوید چه پرسش خوبی. نخست باید بگویم چگونه به دنیا می آییم تا راجع به مُردن حرف بزنیم. ما هنگام به دنیا آمدن، مانند یک قطره آب دریا هستیم که به صورت (بخار) به سوی بالا پرواز می کنیم یعنی از یک آگاهی عظیم (دریا) و اصل خود جدا می شویم، به همین سادگی ما به دنیا می آییم. و پس از گذر زمان و پیر شدن، ما همان قطره آب از آسمان به سمت پایین و سوی دریا و آگاهی عظیم (اصل خود) برمی گردیم و مرگ فرارسیده است،

ما دوباره با اقیانوس (آگاهی کل) یکی می شویم دیگر جدایی وجود ندارد، دیگر رنجی وجود ندارد، مرگ بازگشتی شاد است، مانند برگشتن به خانه از سفری طولانی.

پس ابتدا به صورت قطره ای از دریا به سوی آسمان می رویم یعنی زنده می شویم و هنگامی که پس از گذر زمان به پایین و سوی دریا برمی گردیم یعنی به سوی آگاهی عظیم (دریا) و اصل خود برمی گردیم یعنی می میریم.

طبق تعریف این فیلسوف می تواند این رفت و برگشت یعنی زنده و مرده شدن بارها و بارها اتفاق بیفتد! جالب است در نظریه فیلسوف چینی سخنی از روز معاد و جهنم و بهشت نیست.

همبستگی ملی

از ظواهر امر چنین به نظر می آید هر نوع حکومتی که پس از جمهوری اسلامی در ایران بیاید احتمالا حکومتی سکولار، دموکرات و مترقی خواهد بود. در چنان فردایی، ما ملت شدیداً نیازمند همبستگی واقعی هستیم که با هم بتوانیم بر روی ویرانه های ۱۴۰۰ سال، اسلام عقب مانده، برای خود و فرزندان و آیندگان، کاخ های سعادت و خوشبختی بسازیم.

همبستگی ملی در فردای آزادی برای ما از نان شب واجب تر است. از هم اکنون هشیار باشیم که گروه های گوناگون مذهبی، ایدئولوژی داران، بیگانه پرستان مزدور و هر کس که به دور از فرهنگ ایرانی به دنبال ایسم های گوناگون غیر ایرانی است مسیر ایران را مانند سال ۱۳۵۷ از ریل اصلی خویش به انحراف نکشاند. هشیاری تک تک ایرانیان ضامن فردای بهتر از امروز و حتا دیروز می باشد، به حرکت های اطراف خود بی

تفاوت نباشیم. اگر بخت آزادی نصیب مان شد باید آگاهانه با چشمانی باز آن را چنان حفظ کنیم که بار دیگر زباران و طوفان نیابد گزند. همین یک اشتباه سنگین و پر هزینه و ویرانگر سال ۵۷ ما را برای همیشه کافی است. تردید نکنید بدون دوست داشتن همدیگر و همبستگی ملی آینده تیره و تاریکتری از امروز خواهیم داشت.

تاریخ یک دشمنی، ستیز شیعه با بهاییان

عباس امانت خاورشناس و کارشناس تاریخ قاجاریه و استاد بازنشسته تاریخ در دانشگاه معتبر ییل با تالیف هایی در زمینه آیین بهایی در یک گفتگوی رسانه ای به پرسش، پرسشگر درباره این که، دلایل دشمنی اهل تشیع با بهاییان چیست؟ پاسخ داد: پیدایش نهضت بابیه در نیمه قرن نوزدهم میلادی، در زمانی واقع شد که در همان ابتدای کار یک برخوردی با دستگاه اجتهاد روحانیون پیدا شد. ما یک شیعه شرعی داریم، یک شیعه عرفانی و یک شیعه مهدوی یا منجی گرایانه.

شیعه مهدوی که بابیه نماینده آن ها در قرن نوزدهم بود برخلاف شیعه شرعی که به یک امام (مهدی امام دوازدهم) باور دارند، می گفتند جریان تاریخ مداومت پیدا می کند، و ادوار تازه پیدا می شود و با هر دور تازه ای ظهور تازه ای پیدا می شود. و این مفهوم از نقطه نظر اهل شرع پذیرفته نمی شد، آن ها می گفتند فقط یک امام زمان وجود دارد که فعلاً به غیبت رفته و در زیرزمینی در جنوب عراق زندگی می کند. و باب در نخستین اظهارات خودش در سال ۱۸۴۴ در تفسیر سوره یوسف ادعا کرد که من باب مهدی هستم، حتا نگفت من مهدی هستم. گفت من باب مهدی هستم، یعنی من دریچه ای به سوی مهدی هستم. البته او ادعایش را بعداً به مهدویت تغییر داد و خودش را قائم آل محمد نامید، بعد هم از آن فراتر رفت، خودش را پیامبر و حضور جدید دانست.

این تحول البته از نقطه نظر شریعت مداران و اهل شرع پذیرفتنی نبود، و از روز نخست او را تکفیر کردند، می گفتند این ها می خواهند شرع اسلام را به کلی درهم بریزند به این ترتیب آن ها اهل کفرند و باید آن ها را از ریشه برکند. این علت اصلی اختلاف اهل شرع با بهاییان بود.

دلیل دیگری هم که شریعت مداران را از دست بهایی ها ناراحت می کرد جذابیت اندیشه ظهورهای جدید برای مردم بود که پیروان بسیاری پیدا کرد و این تحول فقها و اهل شرع را تهدید و ناراحت می کرد.

پرسشگر: از آقای امانت می پرسد: بزرگترین آموزه های باب چه بود که برای مردم جذابیت داشت:

آقای امانت پاسخ داد: بزرگترین آموزه های باب این بود که باید فکر دینی و اعتقاد با زمانه متحول شود. این اندیشه یک نوع مدرنیته بومی

بود که از خارج نیامده و بیشتر هم عقاید اخلاقی بود. پرسشگر: چقدر ظهور طاهره قره العین در این دشمنی بین اسلام و بهائیت موثر بود که با برداشتن حجاب انفصال خودش را از اسلام اعلام کرد.

آقای امانت پاسخ می دهد: مسئله ناموس یکی از بنیان های شریعت است، بی جهت نیست که حتا امروزه در جمهوری اسلامی چنین حساسیتی را در مورد حجاب بانوان می بینید در واقع شرع براساس حفظ ناموس ساخته شده است و سیطره مردان بر زنان یکی از اصول پیدایش شریعت است و در این مورد بابیه منفذی ارائه می دهد که جذابیتی برای زنان دارد، و اجازه می دهد زنان از آن سیطره شرع رها شوند. اهل شریعت این تحول را خطر بزرگ برای پایان اسلام می دیدند.

بخشی بود از سخنان طولانی آقای عباس امانت دانشمند خاورشناس و کارشناس تاریخ قاجاریه و ظهور باب و بهاء اله.

پیام ما به جهان: ایران دوباره سرزمین قانون خواهد شد

کوروش کلهر

ما، ملت ایران، وارثان تمدنی چند هزار ساله و نخستین ملتی که منشور آزادی و حقوق بشر را به جهان عرضه کرد، امروز با صدایی واحد و اراده ای استوار اعلام می کنیم:

ایران فردا، پس از براندازی رژیم انیرانی جمهوری اسلامی، بر بنیاد قانون، عدالت و کرامت انسانی بنا خواهد شد.

رژیم جمهوری اسلامی طی بیش از چهار دهه با جنایت، فساد و خیانت، خون هزاران بیگناه را بر زمین ریخت، آزادی ها را لگدمال کرد و ثروت و طبیعت این سرزمین کهن را به یغما برد. این حاکمیت سیاه نه تنها دشمن مردم، که دشمن تاریخ و فرهنگ ایران زمین است.

لکه ای ننگین بر کارنامه میهن که جز با براندازی کامل آن، پاک نخواهد شد. اما ما، ملت ایران به جهانیان اعلام می کنیم: راه آینده ما، راه عدالت است، نه انتقام، راه انصاف است، نه کینه، راه بازسازی است، نه ویرانی.



چون، همه آمران و عاملان جنایت، شکنجه، سرکوب و غارت بدون تردید در دادگاه های مستقل و براساس معیارهای شناخته شده بین المللی محاکمه خواهند شد و در عین حال، مسئولان و مدیرانی که دستشان به خون و فساد آلوده نیست، بدون تردید مشمول عفو عمومی مشروط خواهد بود. این عدالت، از طریق تشکیل کمیسیون های حقیقت یاب و دادگاه های ویژه با حضور ناظران جهانی و تصویب قانون ملی عفو مشروط، تحقق خواهد یافت.

آینده ایران نه بر خون و انتقام، بلکه بر قانون و عدالت استوار خواهد بود. هیچ بی گناهی مجازات نخواهد شد و هیچ جنایتکاری از نگاه عدالت پنهان نخواهد ماند.

ما با هم چرخه کینه را خواهیم شکست و چرخه قانون و بازسازی را آغاز خواهیم کرد.

ایران، سرزمین نخستین منشور حقوق بشر، امروز نیز به جهانیان پیام می دهد:

در ایران نوین، عدالت جایگزین ظلم، قانون جایگزین استبداد، و انسانیت جایگزین بیداد خواهد شد.

جمهوری اسلامی محکوم به نابودی است. اما ایران فردا کشوری خواهد بود قانون مدار، صلح جو و متعهد به حقوق بشر جهانی، کشوری که در آن تنها جنایتکاران محاکمه، بی گناهان بخشیده و قانون بر همه یکسان حکم خواهد راند. و ما با تکیه بر تاریخ و فرهنگ خویش به جهانیان اعلام می کنیم: ایران دوباره سرزمین قانون خواهد شد.

این ها طنز نیست واقعیت است

■ قوروم دنگی به نام آیت اله وحید خراسانی بالای منبر با اطمینان بسیار برای گول زدن فقرای جامعه می گفت: چنان چه مومنی بر اثر فقر و گرسنگی بمیرد، شهید اقتصادی محسوب شده و جایش در بهشت برین در قسمت انبار آذوقه می باشد! باور کنید این مزخرف را یک آیت اله عمامه گنده بالای منبر برای مردم فقیر و گرسنه ی پای منبری گفت تا آن ها را گول بزند.

■ در فیلمی از زائران زن که به همراه مردان به مناسبت اربعین به کربلا رسیده بودند نشان می داد، لات و لوت های عراق در حوالی ورودی مرز هر کدام تشت آب و یک صندلی جلوی خود گذاشته اند و از زن های ایرانی که پای

پیاده و خسته وارد عراق می شوند می خواهند روی صندلی ها بنشینند و پایشان را در تشت آب هر کدام از آن ها بگذارند تا پای خانم های ایرانی تازه وارد را ماساژ بدهند و از خستگی در آورند. خانم ها هم از خدا خواسته گویی در خیابان شانزه لیزه پاریس نشسته اند پاهای لخت و سفید خود را به دستان مردان حریص عراقی می دهند تا مالش و ماساژ دهند. آخر سر هم کف پای خانم ها را لندهور عراقی دولا می شد می بوسید! آن وقت در ایران برای تار مویی دختران ما را می کشند و کور می کنند.

■ نوشته است بانک ملی ایران دستور داده شعبات بانک، افراد بالای ۶۵ سال را که تعدادشان زیاد نیست در صف های جداگانه ای کارشان را راه بیندازند و آن ها را برای مدت زیادی در صف نگه ندارند. نویسنده که خودش ۷۰ سال دارد می گوید پس از مدت ها یک قانون مفید را ما در این مملکت دیدیم و برای نخستین بار من از یک صف سی چهل نفره نجات پیدا کردم در صف مخصوص بالای ۶۵ ساله ها که چهار پنج نفر بیشتر نبودند خیلی زود کارم انجام شد. در انتها رفتم نزد مسئول بانک که تشکر کنم و بپرسم علت این دستور خیر چه بوده. گفت به خاطر صف های طولانی و نداشتن توالی عمومی کافی برای مشتری ها، روزی چند نفر از افراد مسن در صف ها نمی توانستند شاش خود را نگه دارند و می شاشیدند وسط بانک. ما هم صف افراد مسن را جدا کردیم. به شوخی به مسئول بانک گفتم فکر نمی کنید با ارزشی که پول ما پیدا کرده آن ها مخصوصاً وسط بانک ها می شاشند، یارو به فکر فرو رفت و گفت شاید این هم نوعی از مبارزه تلافی جویانه مردم است.

کردند تمام خانه های تو خراب ای خانه خراب تا به کی صبر کنی

یکی در میان از فرزندان هم میهنان ما در بیرون از کشور، در هر جای این کره زمین که باشند پزشک، مهندس، فضاشناس، وکیل، استاد دانشگاه، رئیس بیمارستان، مدیر برجسته، موفق در امور مالی... و سرآمد علمی در بین جوانان جهان شده اند.

مادران و پدران این جوانان موفق، خودشان هم که اکثراً با دست خالی به غربت آمده اند خود را بالا کشیدند و زندگی های آبرومندی برای خود دست و پا کردند.

این گونه موفقیت ها درون ایران هم بسیار بسیار دیده می شود، فرزندان با استعداد ایرانی در بیشتر مسابقات علمی و ورزشی در جهان مدال های طلا می گیرند، چه در ریاضی باشد چه کامپیوتر و گرفتن پذیرش در بهترین دانشگاه های جهان.

حال با این پرونده و رزومه درخشان از تلاش و هوش و استعداد ایرانیان، چگونه است پست ترین، بی سوادترین، شیادترین،

ایجاد کرد. شوشان دخت مادر بهرام گور بود که به قانون یهودی بهرام گور را یهودی می دانستند.

در دوره ای هم روابط مغ ها (روحانیون زرتشتی) و یهودیان تیره شد و یزدگرد دوم به درخواست مغ ها دستور ممنوعیت خواندن دعای «شما» را داد. پیروز یکم کودکان یهودی را مجبور به زرتشتی شدن کرد و در این دوره درگیری های خونینی بین ایرانیان با یهودیان که اینک آن ها هم در اثر ازدواج با ایرانی ها ایرانی شده بودند درگرفت و چند تن از یهودیان به دست ساسانیان اعدام شدند. سرانجام در زمان خسرو اول مالیات یهودیان کاهش یافت و وضعیت آنان بهتر شد.

یهودیان در حمله ساسانیان به اورشلیم در سال ۶۱۴ میلادی به سپاه ساسانی ملحق شدند که باعث شکست دادن امپراطوری بیزانس (روم شرقی) شدند. اصطخری مورخ می نویسد یهودیان بعد از زرتشتیان و مسیحیان سومین جامعه بزرگ ایران هستند. المقدسی می نویسد: جمعیت یهودیان در ایران آن زمان بعد از زرتشتیان بوده است.

در زمان حمله اعراب به ایران به نوشته انون نتصر اصفهان شهری صد در صد یهودی بودند. از این به بعد است که پس از پیروزی مسلمانان در ایران یهودیان، مسیحیان و زرتشتیان اهل ذمه شدند و باید مالیات اضافی به نام جزیه بپردازند و باید لباسی می پوشیدند که آن ها را از مسلمانان متمایز کند. در قرن دهم میلادی اصطخری جغرافی دان مسلمان نوشته است: تمامی منطقه بین اصفهان تا شوشتر توسط یهودیان با چنان تعداد زیادی اشغال شده بود که آن جا را باید یهودستان نامید!

با چنین سابقه ای یهودیان چند هزار سال است با تبار ایرانی ادغام شده و نسل اندر نسل ایرانی شده اند. اگر چه دین خود را تا آنجا که توانستند حفظ کردند تا به مدد آن سرانجام به کشور نیاکانی- مذهبی خود برگردند. در آن زمان ها که به یاری کوروش، یهودی ها به اورشلیم برگشتند اثری از نام فلسطین و فلسطینی نبود. در مورد جمعیت یهودی ها در ایران یک گردشگر یهودی بنیامین تودالایی می نویسد: در قرن ۱۲ میلادی که از ایران بازدید کردم جمعیت یهودیان در ایران حدود ۲۵۰/۰۰۰ نفر تخمین زده می شد. اسرائیلی های امروز فرزندان چندین نسل از یهودیانی هستند که در ایران زاده شدند، بزرگ شدند، و بسیاری از فرهنگ هاشان در هم ادغام شد. همراهی یهودیان با ایران و ایرانی تا به امروز در ایران و بیرون از ایران ادامه دارد.

این آخرین شماره ای است برای کسانی که مدت ها است شهریه ای نپرداخته اند. گله نکنید که چرا برای من بیداری نفرستادید.

دزد و دروغگوترین موجودات روزگار بر آن ها نزدیک به نیم قرن است حکومت می کنند، و از ۹۵ درصد آن ها صدایی در نمی آید. آن ۵ درصد هم جوانان عامی بدون داشتن برنامه به چهار تا خیابان می ریزند و از مردم التماس می کنند که به آنان به پیوندند و کسی به یاری آن ها نمی رود بدون تردید ماهایی هم که در بیرون از کشور هستیم اگر در ایران بودیم مانند بقیه کاری نمی کردیم و به یاری جوانان نمی رفتیم. بهانه هم داشتیم که رژیم وحشی اجازه اعتراض به کسی نمی دهد و سرکوب می کند.

اما در بیرون چه؟ از آن همه استعداد، زرنگی، دانش، هوشمندی، خردمندی و بهترین مهاجران جهان شناخته شدن و آگاهی داشتن، برای رهایی میهن و هم میهنان در بند چه زمانی به خشم می آیم و گامی برمی داریم تا بدهی خود را به مام میهن ادا کرده باشیم. از هشت میلیون ایرانی که در کشورهای گوناگون مهاجر شده اند چند نفرشان در اپوزسیون فعال هستند، تقریباً نزدیک به هیچ!

آی هم میهنان خردمند و گرامی، دیگر چیزی از ایران سالم باقی نمانده و می رود که ایران به یک کشور فقیر پائین تر از جهان سومی تبدیل شود و چراغ فروزان و قدیمی ترین امپراطوری جهان رو به خاموشی و پایان راه خود برسد.

یعنی هر گوشه اش در اثر فقر و بی کسی نصیب روس، ترک، عرب، افغان، گردد. این بلا تنها بر اثر بی تفاوتی ما نسبت به سرنوشت ایران است.

هم میهنان گرامی خانم ها آقایان در هر سنی و در هر جایی که هستید موظف می باشید در روز یک ساعت از ۲۴ ساعت خود را برای پیدا کردن راه حل «چه باید کرد» با دوستان و بستگان و اشنایان گرد هم آید، که برای مبارزه هیچ گاه دیر نیست.

یهودی ها همه ایرانی اند

حضور یهودی ها در ایران به بیش از سه هزار سال می رسد. رابطه پادشاهان ساسانی با یهودیان بسیار دوستانه و نزدیک بود. دوست نزدیک شاپور اول پادشاه ساسانی یک یهودی بود به نام شموئل. براساس نوشته رباهای یهودی، مادر شاپور دوم پادشاه ایران یهودی بود که براساس قوانین یهودیت خود او نیز یهودی محسوب می شود.

یهودی های ایرانی در آن زمان در انجام فرائض دینی خود کاملاً آزاد بودند. دوستی شاپور دوم با یکی از رباهای تلمودی باعث برچیده شدن قوانین ضد یهودی گردید. ارتباط یهودی ها با ایرانی ها از ارتباط مهاجرتی یهودیان به ایران فراتر می رود.

پسر شاپور دوم، یزدگرد اول دارای همسر یهودی به نام شوشان دخت بود. در بسیاری کتب یهودی نوشته شده، شوشان دخت محله یهودی اصفهان را

بیداری

نشریه کانون خردمداری ایرانیان

دنیای عجیبی است

حکومتی که با وعده آب و برق مجانی آمد، با بحران آب و برق در حال رفتن است! حکومتی که با شعار آزادی و استقلال آمد بدون داشتن آزادی و استقلال در بغل روسیه و چین در حال ساقط شدن است! حکومتی که با شعار مرگ بر شاه به سرکار آمد، با شعار روح شاد رضاشاه ریشه اش در حال خشکیدن است، دنیای عجیبی است.

بیداری های کتاب شده و کتاب هایی که در شماره پیشین معرفی کردیم تلفنی سفارش دهید
۰۰۱۳ - ۳۲۰ (۸۵۸)

آیا عراقچی مارمولک هفت خط،
سر آژانس بین المللی انرژی اتمی
را با آن رئیس شل و ولش «گروسی»
کلاه می گذارد و با خرید وقت
بیشتر ساختن بمب را آخوندها به
پایان می رسانند؟

«اگر تاکنون به پایان نرسانده باشند»

بزرگترین خیانت خامنه ای، خمینی و آخوندها
به ایران چه بود؟ ازدیاد جمعیت ۳۵ میلیونی
به ۱۰۰ میلیون که تهیه آب و نان هم برایشان
مشکل می باشد. چه رسد رفاه و پیش رفت.

بیداری را تلفنی مشترک شوید

858-320-0013

bidari2@hotmail.com

Prst Std
U.S. Postage
Paid
San Diego, CA
Permit No. 2129

BIDARI
P.O. Box 22777
San Diego CA 92192
U.S.A.